**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

خارج فقه ج 47 - احکام تخلی – 17/9/1400

*موضوع:* كتاب الطهارة/الاستبراء /مساله6و7و8

مساله ششم : کسی که استبراء نکرده و در عین حال شک می کند که آیا رطوبتی خارج شده یا نه ؟ فقها فرمودند که بنای بر عدم وجود بلل بگذارد چون روایات بلل شامل این قسم نمی شود و مورد این روایات آنجایی است که بلل خارج شده باشد ولی شک آنجایی است که بلل خارج شده یا نه ؟

حال اگر کسی ظن به خروج بلل دارد مثلا در لباس رطوبت را می بیند اما شک دارد از مخرج بول است یا غیر از آن ، در اینجا هم بنای بر عدم می گذارد چون این ظن دلیل اعتبار می خواهد و دلیلی نیست و ظن اگر دلیل اعتبار نداشته باشد حجت ندارد

مساله هفتم : رطوبتی که خارج می شود :

تارة می داند مذی است در عین حال شک می کند که آیا با خروج آن ، بول هم خارج شده یا نه ؟ در اینجا حکم به نجاست نمی شود چون این شک از قبیل شک در اصل و وجود و حدوث بول است و مشمول روایات نمی شود چون روایات مخصوص جایی است که شک در صفت بول هست اما اینجا در اصل وجود بول شک است

اخری : اینکه مقداری از رطوبت مذی است و در آن مقدار دیگر شک است در اینجا احکام و وظایف نسبت به رطوبت مشتبه جاری است چون شک در صفت است نه حدوث؛ نمی داند که این رطوبت صفت بولی گرفته یا نه ؟ لذا باید احتیاط کرد و تطهیر کرد

مساله هشتم : این مساله سه فرع دارد :

فرع اول : کسی که بول کند و استبراء نکند و رطوبتی خارج شد و نمی داند بول است یا منی مرحوم سید در متن نوشت وضو کافی است برای نماز و غسل واجب نیست

اشکال مرحوم امام و آقای گلپایگانی ره ، که این دو بزرگوار فتوای به جمع دادند یعنی هم وضو و هم غسل و هو المختار، اشکال این است که روایات استبراء موردش خاص است و شک دارد که این رطوبت مذی یا بول است امام علیه السلام فرمودند وضو بگیرد اما در اینجا بحث عوض شده و شک در بول یا منی است لذا نمی توان از آن روایات استبرا در اینجا استنباط شود و مقتضای علم اجمالی هم این است که هم وضو بگیرد و هم غسل کند

اما دلیل مرحوم سید و آقای خویی ره : صحیحه محمد بن مسلم است قال: قال أبو جعفر عليه السلام: من اغتسل و هو جنب قبل أن يبول ثم يجد بللا فقد انتقض ، و همچنین موثقه سماعه ، متن روایت :.وعنه، عن الحسن، عن زرعة، عن سماعة (في حديث) قال: فإن كان بال قبل أن يغتسل فلا يعيد غسله، ولكن يتوضأ ويستنجي. که درباره روطوبت مشتبه بعد از بول ، وضو و استنجاء را واجب کردند و حرفی از غسل نزدند ، این دو روایت باید مقید شود به جایی که بول کرده و استبراء نکردهچ چون در روایات بلل خوانده شد که اگر بول کند و استبراء کند آن رطوبت ناقض وضو نیست لذا این دو روایت باید مقید شود به جایی که استبراء نکرده و ناقض وضو شده است و مستفاد این روایت این است که در اینجا که احتمال می دهد منی است اعتنا نکند بلکه حکم شارع را انجام دهد که کسی که استبرا نکرده و رطوبت ببیند آن رطوبت حکم به نجاست شود ، التنقیح ج ۳ ص ۴۴۴

نظر استاد : حق با مرحوم امام است چون :

اولا : مورد روایت خاص است و مختص به بللی است که مردد بین مذی و بول است و اطلاقی هم در روایت نیست که شامل بلل مردد بین بول و منی شود

ثانیا : لازمه حکم‌ به بولیت رطوبت قبل از استبرا حکم به عدم منی بودن این رطوبت است وقتی که این رطوبت بول است دیگر منی نیست و اثبات این لازم یا به قرینه یا دلیل است اما دلیل، اصالة عدم منی است و این اصل اینجا جاری نمی‌شود چون اصل عدم در اطراف علم اجمالی جاری نمی شود و اما قرینه وجود دارد و آن حکم شارع به اینکه قبل از استبراء بول است نه منی ، اما این قرینه موردش خاص است نه عام و مختص به آن بللی است که مردد بین مذی و بول است ولی بحث ما آنجایی است که علم اجمالی است که بول یا منی است.